کسب می‌کند.

شهریار بحرانی یکی دیگر از چهره‌های مهم در دهه ۶۰ است که به شکل‌گیری و تحکیم مفهوم سینمای دفاع مقدس کمک کرده است، در حالی که آثار او در سال‌های بعدی به آرامش و لطافت شهرت دارند، فیلم‌هایی که درباره جنگ ساخته به‌شدت خشن و تکان‌دهنده‌اند!

از جمله همین «گذرگاه» که در میان فیلم‌های دوران ابتدایی کارنامه‌اش شهرت بیشتری دارد. بحرانی در دهه هفتاد هم سعی کرد که با «حمله به اچ سه» یکی از مهم‌ترین عملیات نظامی دوران جنگ را در قالب یک اکشن جنگی و حماسی روایت کند که مشخصاً بضاعت فنی سینمای ایران در آن دوران برای روایت چنین داستانی کافی نبود.

باز هم یکی دیگر از رکوردهای عجیب و غریب سینمای ایران در دهه ۶۰ «کانی مانگا» است که جزو معدود فیلم‌های ساخته شده درباره جنگ هشت ساله است که به نیروهای تکاور ارتش پرداخته. این ساخته سیف‌الله داد که فرامرز قریبیان هم نقش اصلی آن را ایفا می‌کند، بیش از هر فیلم دیگری در تاریخ سینمای ایران روی پرده بوده؛ بازه‌ای نزدیک به ۱۵ سال!

جدای از این رکورد و روایت اکشن، فیلم جزو معدود تصاویر از عملیات‌های تکاوری و همچنین مناطق جنگی در ناحیه کردستان است.

شاید غافلگیرکننده باشد که یکی از مهم‌ترین فیلم‌های دفاع مقدس اولین ساخته کارگردانش است. «هور در آتش» که ماجرای حضور و جست وجوی پیرمردی در خط مقدم جبهه را روایت می‌کند، علاوه بر تصاویر چشمگیر در حاشیه نبردهای آبی در نیزارها، مهدی فقیه را هم به شمایلی ماندگار و تکرارپذیر در فیلم‌های این چنینی تبدیل کرد.

عزیزالله حمیدنژاد بدون تأکید و تظاهر، روی موقعیت‌های انسانی در دل جنگ دست می‌گذارد و این امر را در فیلم‌های بعدی او که با موضوع جنگ ساخته شده هم، مانند «ستارگان خاک»، «شکوفه‌های سنگی» و «اشک سرما» می‌بینیم.

حاتمی‌کیا بعد از تجربه ناموفق «وصل نیکان»، جنجالی‌ترین فیلم خود تا آن زمان را جلوی دوربین برد. داستان رزمنده‌ای که دچار عارضه شیمیایی شده و حالا که دوران سخت درمان خود را در آلمان پشت سر می‌گذارد، با تردیدهای بسیار نسبت به باورها و آرمان‌های خودش می‌نگرد.

فیلمی به‌شدت احساسات‌گرایانه و تأثیرگذار که جلوه دیگری از توانایی حاتمی‌کیا را در فیلم‌سازی به تصویر کشید و نشان داد که در سینما به دنبال پرسش‌های مهم‌تری می‌گردد. بازی‌های علی دهکردی و هما روستا در نقش خواهر و برادری که تفاوت عقیده باعث جدایی و انسانیت باعث پیوند ناگسستنی آنهاست، مانند موسیقی متن مجید انتظامی از دیگر عناصر فراموش نشدنی فیلم است.

داستان فیلم روز سوم در ابتدای جنگ اتفاق می‌افتد و شاهد مقاومت مردمی در برابر تهاجم نیروهای عراقی هستیم که بسیاری از آن‌ها تا چندی پیش در همین شهر و کنار ساکنان بومی همزیستی داشتند. احتمالاً با گذشت زمان ۱۵-۱۰ ساله تأثیر فیلم به مراتب باید کمترشده باشد، با این وجود همچنان خالی از نکات قابل توجه نیست، مانند بازی حامد بهداد در نقش یک افسر عراقی عاشق پیشه و خشن که جزو نقاط برجسته در کارنامه بازیگری او به شمار می‌آید

کیمیا سال ۱۳۷۳ به کارگردانی احمدرضا درویش ساخته شد. یکی از مهم‌ترین و محبوب‌ترین فیلم‌های دفاع مقدس با اینکه جنگ به صورت عینی و فیزیکی سهم کمی از قصه دارد و این اهمیت بیشتر از کیفیت و تأثیرگذاری جنبه‌های ملودرام قصه می‌آید که در بستر جنگ و تبعات آن شکل گرفته است. جنگ‌زده‌ای پس از سال‌ها اسارت وقتی که آزاد می‌شود، پی می‌برد که خانواده‌اش را از دست داده و تنها فرزندش توسط پرستار حاضر در منطقه جنگی بزرگ شده. این سرآغاز کشمکش‌هایی پر از احساسات میان شخصیت‌های قصه است.

احمدرضا درویش که بیشتر با پروژه‌های بزرگ و به‌عنوان تکنیسین شناخته می‌شود، بیش از همیشه در شخصیت‌های خود عمیق شده و نقش‌آفرینی خسرو شکیبایی، بیتا فرهی و رضا کیانیان هم این تجربه را ماندگار کرده است.

درویش با فاصله‌ای نه چندان زیاد، فیلم جنگی «سرزمین خورشید» را هم با نقش‌آفرینی خسرو شکیبایی جلوی دوربین برد که اثر متفاوت و قابل توجهی محسوب می‌شود.

حاتمی‌کیا بار دیگر به سراغ جنبه‌ای مهم از تبعات پساجنگی رفت اما این بار برخلاف «از کرخه تا راین» واکنش‌های مثبت کمتری را برانگیخت.

با وجود این، گذر زمان باعث شد که فیلم به ماندگارترین تصویر سینمای ایران از آزادسازی اسرا و انتظار خانواده‌های اسرا و آزادگان تبدیل شود.

از دیگر نکات قابل توجه فیلم، همکاری با بازیگران و ستارگان سرشناس همچون علی نصیریان و نیکی کریمی است که از سیر تغییرات در رویکرد و کارنامه حاتمی‌کیا خبر می‌داد.

یکی از مهم‌ترین آثار کارنامه رسول ملاقلی‌پور که در بدو امر با واکنش‌های منفی مواجه شد اما بعداً جایگاه یک فیلم کالت را پیدا کرد، البته پخش نسخه کامل‌تر فیلم در قالب یک مینی‌سریال تلویزیونی را هم نباید در این اقبال ثانویه بی‌تأثیر دانست.

ماجرا درباره عوامل ساخت یک فیلم جنگی است که با حضور در منطقه، مرز زمان و مکان برای آنها به هم می‌ریزد و برمی‌گردند به دوران جنگ. ایده‌ای مدرن که ترکیب آن با شیوه پرداخت بومی و بی‌ریای ملاقلی‌پور به تجربه‌ای خاص منجر شده است.

کمدی خط شکنی که در زمان خودش ساخت آن غیرممکن به نظر می‌رسید اما حاصل آن چنان بود که علاوه بر جوایز مختلف به یکی از بهترین نمونه‌ها در سینمای دفاع مقدس تبدیل شد، در شرایطی آگاهانه خیلی از کلیشه‌های رایج در همان سینما و افراد منتسب به آن را دست می‌انداخت.

این امر بدون فیلمنامه متفاوت رضا مقصودی و کارگردانی ظریف کمال تبریزی، که آن سال‌ها در اوج قرار داشت، ممکن نبود.

داستان درباره فیلمبرداری است که نمی‌خواهد به جبهه برود اما به مأموریت اعزام می‌شود. در جریان مأموریت تظاهر می‌کند که می‌خواهد برود خط مقدم، در عمل دنبال بهانه برای فرار است اما تمام تلاش‌هایش نتیجه عکس می‌دهد و آخر سر با آر پی جی تانک می‌ترکاند!

پرویز پرستویی بعد از این فیلم خیلی زود تبدیل شد به یکی از مهم‌ترین بازیگران سینمای ایران و با تجربیات متفاوتش مدام مخاطبان سینما را غافلگیر کرد. آژانس شیشه‌ای سال ۱۳۷۵ ساخته شد. اهمیت فیلم نه فقط در کارنامه حاتمی‌کیا، سینمای دفاع‌مقدس و سینمای سیاسی بلکه در مقیاس تاریخ سینمای ایران قابل بحث و بررسی است.

شاید همچنان مهم‌ترین فیلم پساجنگی باشد چراکه تقابل آرمان‌های دیروز با واقعیت و مصلحت امروز را به تصویر می‌کشد؛ آرمانی که در شخصیت حاج کاظم تبلور یافته. رزمنده‌ای که اعتقاد دارد برای کشورش جنگیده اما حالا سرزمین و مردمی که او زندگی‌اش را بابت آنها فدا کرده، فراموشش کرده‌اند.

«آژانس شیشه‌ای» طی نزدیک به ربع قرن قدمت، همچنان مهم‌ترین شمایل از سینمای دفاع مقدس است؛ در حالی که فقط یک گلوله در آن شلیک می‌شود و فیلم همچنان کارکرد خود برای تفسیرها و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی را هم حفظ کرده و مهم‌ترین الگوی فیلمسازان نسل‌های بعدی برای پرداختن به یک موضوع سیاسی ملتهب است.

سال ۱۳۸۲ خداحافظ رفیق به سینماها آمد. این ساخته بهزاد بهزادپور در مقایسه با بسیاری از فیلم‌های بزرگ و مهم سینمای دفاع مقدس، اثر کوچک و جمع و جوری است که در زمان نمایش هم چندان دیده نشد.

اما بعدها به‌واسطه پخش تلویزیونی طرفداران زیادی پیدا کرد که احتمالاً علت اصلی آن حس خالص و فضاسازی بشدت رمانتیک و دلنشین فیلم است. شهدایی که پس از سال‌ها به هوای دیدن دوست همرزم‌شان به شهر می‌آیند و می‌بینند که اوضاع چگونه تغییر کرده است.

کیومرث پوراحمد پس از موفقیت ویرانگر «شب یلدا» سال‌ها طول کشید تا اثر تحسین‌برانگیز دیگری بسازد و بعد از «اتوبوس شب» نیز همچنان با این بحران دست و پنجه نرم می‌کند. این فیلم سیاه و سفید با رویکرد روایی نسبتاً مدرن، داستان نوجوانی را به همراه یک راننده پیر روایت می‌کند که باید گروهی از سربازان عراقی اسیرشده را به مقصد برساند.

این سفر علاوه بر آنکه درامی را بر پایه مفهوم بلوغ این پسر نوجوان شکل می‌دهد، نگاهی انسانی و ضدجنگ دارد به انسان‌هایی که بنا به جبر شرایط به روی هم اسلحه می‌کشند. خسرو شکیبایی، مهرداد صدیقیان نوجوان و محمدرضا فروتن با نقش‌آفرینی‌های خود به فیلم جان بخشیده‌اند.

بازگشت کمدی به میدان جنگ تنها حاشیه و جنجال فیلمی نبود که به یک نسخه پرفروش در سینمای بعد از انقلاب منجر شد. مسعود ده‌نمکی با سابقه‌ای جنجالی در عرصه مطبوعات و بعد مستند، فیلمسازی را با فیلمی شروع کرد که رکوردهای فروش را شکست و خیلی زود به گفتمان رسمی و فرهنگ عامه راه پیدا کرد، در حالی که با وجود اهمیت متنی و فرامتنی، مجموعه «اخراجی‌ها» هیچ وقت از جانب عموم منتقدان با واکنش‌های مثبتی روبه‌رو نشد.

گروهی از اراذل و اوباش با نیتی ریاکارانه به جبهه می‌روند اما در این سفر به درکی تازه از مرام و معرفت می‌رسند و از جان می‌گذرند. در قسمت بعدی شاهد اسارت دسته اراذل هستیم و در قسمت سوم با پرشی بیست ساله، به دوران معاصر می‌آییم و حضور شخصیت‌ها در دوقطبی انتخابات و تلاش برای رسیدن به قدرت را دنبال می‌کنیم.

به غیر از کامبیز دیرباز در نقش مجید سوزوکی، اکبر عبدی، امین حیایی، ارژنگ امیرفضلی، محمدرضا شریفی‌نیا و... نیز در فیلم اول و قسمت‌های بعدی حضور دارند.

محمدعلی باشه آهنگر تمام کارنامه سینمایی خود را به دفاع مقدس اختصاص داده، چه در دوران جنگ و چه پس از آن. اما «فرزند خاک» بود که نام او را بر سر زبان‌ها انداخت و تا به امروز نیز همچنان بهترین و گیراترین تصویر از پدیده تفحص پیکر شهداست که این موضوع را در دل داستانی انسانی با جزییات زیاد و به شیوه‌ای تأثیرگذار به نمایش می‌گذارد.

شبنم مقدمی و مهتاب نصیرپور نقش‌های اصلی فیلم را ایفا می‌کنند و موقعیت جغرافیایی بکر قصه، در مناطق زیبای کردستان، نیز به طراوت فیلم افزوده است.

بعد از موفقیت غافلگیرکننده «ابد و یک روز» و تثبیت جایگاه سعید ملکان به‌عنوان یکی از تهیه‌کنندگان صاحب نظر و سلیقه، همه انتظار تجربه‌ای مشابه از او داشتند اما ملکان مسیر متفاوتی را انتخاب کرد و باز هم به یک کارگردان فیلم اولی میدان داد.

«ویلایی ها» ساخته منیر قیدی به سراغ یکی از قصه‌های ناگفته در دوران جنگ می‌رود؛ همسران رزمندگان و از زاویه‌ای دیگر به اثرات جنگ روی زیست و خانواده و نقش زنان می‌پردازد. «ویلایی‌ها» از آن جهت اهمیت دارد که بعد از سه دهه به سراغ روایتی کمتر شنیده شده از اتمسفر سال‌های جنگ می‌رود. طناز طباطبایی، پریناز ایزدیار، ثریا قاسمی و صابر ابر از جمله بازیگران فیلم‌اند.

باید دید مدیران فرهنگی کشور در ادامه این راه و ساخته‌های جدید، چگونه قهرمانان دیگر جنگ در دهه ۶۰ و مدافعان حرم را معرفی خواهند کرد؟